



اصول ، معیار ها و فلسفه اخلاق پزشکی

دکتر سید احمد موسوی

تعریف اخلاق

تعریف اخلاق ؛ «اخلاق» جمع «خُلُق» (بر وزن قفل) و «خُلُق» (بر وزن افق) می باشد.

خُلُق ← شکل و صورتی است که انسان
با چشم می بیند

خُلُق ← صفات و سجایای درونی که با
چشم دل دیده می شوند

تعریف اخلاق

○ اخلاق صفاتی ← «مجموعه صفات
روحی و باطنی انسان است»

○ اخلاق رفتاری ← «اعمال و رفتاری
که از انسان ناشی می شود»

تعریف اخلاق پزشکی

اخلاق



خلق



حالی است برای جان انسان، که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی بر می انگیزاند.



● «اخلاق» هنگامی که کاری بطور مستمر از
کسی سر می زند قطعا ریشه درونی و باطنی در
اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و
اخلاق می نامند



○ ابن مَسْکُویَه « می گوید: «خوی همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می کند بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.»

○ فیض کاشانی می گوید: « خوی عبارت است از هیئتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می شود.»

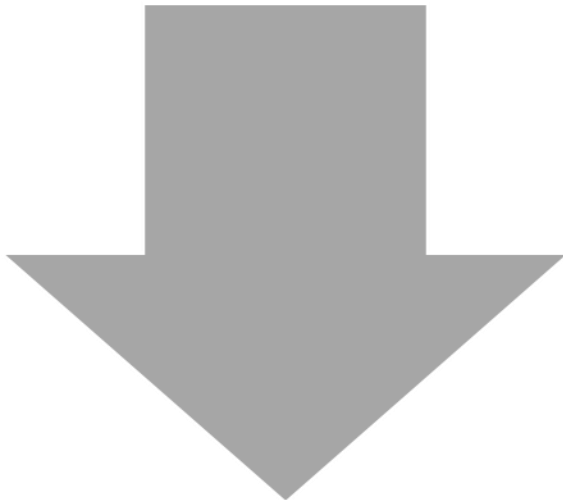


- اخلاق را به دو بخش تقسیم می شود : «ملکاتی که سرچشمه پدیدآمدن اعمال خوب که اخلاق خوب نامیده می شود، و آنها که منشا اعمال بد که اخلاق بد گویند»

تعریف اخلاق پزشکی



آداب و رفتار پسندیده



آداب و رفتار ناپسند

■

● علم اخلاق را چنین تعریف میشود : « اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه ها و آثار آن سخن می گوید »

- ما با این پرسشها مواجهیم: چه باید انجام دهیم و چه نباید انجام دهیم؟ چه نوع اموری خوب و چه نوع اموری بدند؟ علمی که به تبیین و بررسی این پرسشها می پردازد، علم اخلاق است

معنا شناسی اخلاق

● در فرهنگ لغت

واژه Moral به معنای خلق و خو نفسانی ، اما Ethics را يك سري قوانین و قواعد حاکم بر رفتار میداند، يعني رفتاري که جنبه اجتماعي پیدا کرده و در ارتباط با فرد ديگري است و با وجدان یا قسمت اخلاقي شخصیت سروکار دارد. نظریه های پیرامون رفتار خوب و بد، درست و خطا بودن فعالیتها در آن خلاصه میشود.

اخلاق حرفه ای

- شاخه ای است که بر درخت اخلاق روییده است و برای درک درست آن اولاً باید اخلاق را شناخت و ثانیاً با توجه به شرایط و فضای هر حرفه خاص، اخلاق حرفه ای ویژه آن حرفه را تبیین نمود. میان همه شاخه های اخلاق حرفه ای، اخلاق پزشکی از جایگاه خاصی برخوردار است و این بخاطر جایگاه خاص و متعالی است که حرفه پزشکی دار است.
- گفته اند شرف هر علمی به شرف موضوع آن است و در عالم هستی شریف ترین موضوع «انسان» است ▪

اخلاق حرفه ای

«لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم» سوره تين آيه ۴

انسان خوش ساختارترین پدیده و آفریده خداوند است. انسان موجودی است که خداوند او را ، به تعبیری زیبا و کنایه وار، با دو دست خویش آفریده است

«قال يا ابليس ما منع آن تسجد لما خلقت بيدى» سوره ص ، آيه ۷۵

بنابر این هر علمی که به نحوی از انسان سخن میگوید، شریف ترین علم است ■

تعریف اخلاق پزشکی

شرف هر علم به
موضوع آن است.

تعریف اخلاق پزشکی

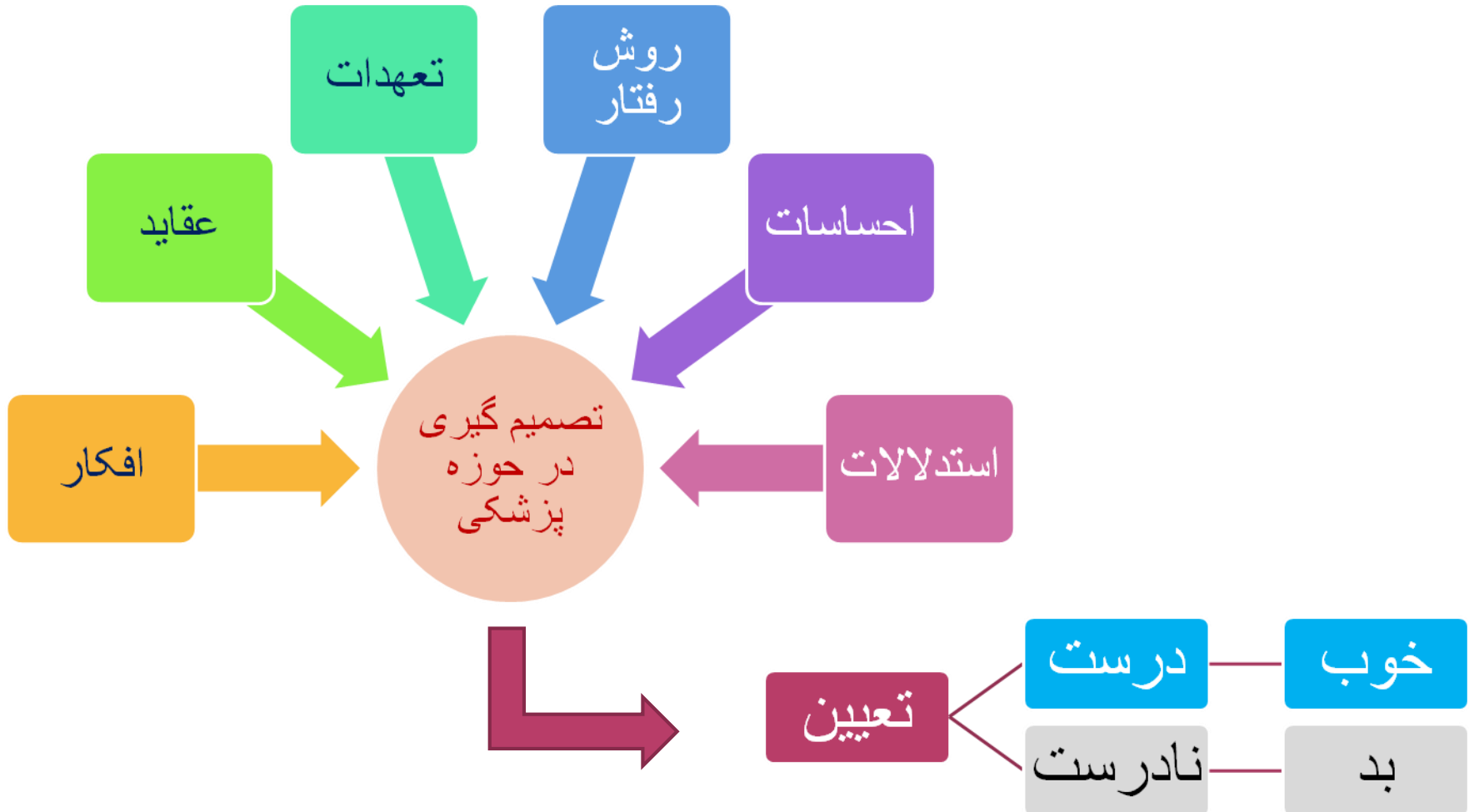
● اخلاق پزشکی به زبان ساده یعنی اخلاق
در صحنه عمل در پزشکی می باشد.

تعریف اخلاق پزشکی

● علمی است که موضوع آن، مجموعه آداب و رفتار پسندیده یا ناپسندی است که صاحبان مشاغل پزشکی باید مدنظر قرار دهند
.....

● علمی است که به رابطه بین تیم پزشکی و بیمار و همکاران توجه جدی دارد

تعریف اخلاق پزشکی



فلسفه اخلاق پزشکی

● تحقیقی عقلایی درباره مبانی علم اخلاق پزشکی

● علم اخلاق بما می آموزد که چگونه باید بود؟ و چگونه نباید بود؟
ولی فلسفه اخلاق می پرسد این باید ها و نباید ها از کجا آمده اند؟

● منشاء و مبدا احکام اخلاقی چیست؟ و این احکام چگونه اثبات
میشوند؟

•

بدیهی است که خوب و بد، قواعد اخلاقی، اثبات پذیری یا اثبات ناپذیری قواعد اخلاقی، مطلق بودن یا نسبی بودن قواعد اخلاقی و..... قابل بررسی حسی نیستند و بنابر این روش تجربی بطور مستقیم در حل مسایل این دانش کارایی ندارد و بنابر این روش تحقیق در فلسفه اخلاق، عقلی خواهد بود.

نظریه و مکاتب اخلاقی

● نظریات مطرح در فلسفه اخلاق به ۳ حوزه تقسیم میشوند :

۱-فرا اخلاق Meta Ethics

۲-اخلاق دستوری یا هنجاری Normative Ethics

۳- اخلاق کاربردی Applied Ethics



● فرا اخلاق، علمی است که به تحلیل فلسفی معنا و ویژگی **زبان اخلاقی**، مانند: معانی «خوب» و «بد»، «درست» و «نادرست» می پردازد. ما در فرا اخلاق بیشتر با معنای واژه ها مثل «خوب» سر و کار داریم؛ یعنی آیا خوبی، چیزی است که در اشیاء می یابیم یا چیزی است که می توانیم، مانند: رنگ ببینیم یا مانند درد احساس کنیم.



● مباحث فرا اخلاق ، به مباحثی مانند «خوب چیست ؟ یا ارزش چیست ؟ می پردازد . اخلاق دستوری مباحثی مثل «کدام فعل خوب است » را بحث می نماید .

● توجه مهم :صرف وجود تئوریهای اخلاقی ، ضمانت نمی کند که مردم اخلاقی عمل نمایند .یعنی لزوما علم ، منجر به عمل درست نمیشود .

نظریه ها و مکاتب اخلاقی

● در اخلاق هنجاری یا دستوری یا تجویزی در واقع اصولی که در فرا اخلاق به آن دست پیدا کرده ایم به ما می گویند که حال چگونه باید زندگی کنیم.

● اخلاق کاربردی که معطوف به حل مساله در مقام عمل است. مسائلی از قبیل تبعیض نژادی ، تبعیض جنسی ، حقوق حیوانات ... و اخلاق پزشکی مثل سقط جنین ، قتل ترحمی

○ هنگامی که به بررسی این نکته می پردازیم که چه نوع اموری

- «خوب» یا «بد» اند و یا وقتی تلاش می کنیم به طریق عقلانی به مجموعه ای از قواعد و معیارها دست یابیم که ما را در تشخیص اعمال درست از نادرست یا افراد خوب از بد یاری می دهد، به اخلاق دستوری یا هنجاری پرداخته ایم

نظریات فلسفه فرا اخلاق

۱- طبیعت گرایی اخلاقی

۲- غیر طبیعت گرایی اخلاقی یا شهود گرایی

۳- غیر شناخت گرایی اخلاقی یا عاطفه گرایی



○ طبیعت گرایی اخلاقی

○ پیروان این نظریه اعتقاد دارند که همه گزاره‌های اخلاقی را می‌توان به گزاره‌های غیر اخلاقی بویژه گزاره‌های واقعی تحقیق‌پذیر یا اثبات‌پذیر تعبیر کرد؛ مثلاً وقتی می‌گوییم: «فلانی فرد بدی است»، می‌توانیم با اثبات این که او در رفتار شخصی‌اش ظالم، فریبکار و ترسو و... بوده و یا با اثبات این که اعمال و نتایج بدی داشته مشخص کنیم که او فرد بدی بوده است. (مور)

طبیعت‌گرایی اخلاقی دیدگاهی
است که معتقد است صدق و کذب
مدعیات اخلاقی، بر مبنای تطابق
آنها با واقعیت‌های طبیعی یعنی
واقعیت‌هایی که توسط علوم طبیعی
و اجتماعی مطالعه می‌شود تعیین
می‌گردد. بر اساس این نظر
واقعیتها و صفات اخلاقی، انواعی از
صفات و واقعیت‌های طبیعی
هستند.

شکل دیگر طبیعت گرایی، این است که تمام گزاره‌های اخلاقی به احساس (یا اظهار) رضایت یا عدم رضایت شخصی یا جمعی برگردانده می‌شود. اگر گفته می‌شود: فلانی فرد خوبی است، در مورد ماهیت او چیزی نمی‌گوییم؛ بلکه صرفاً احساس رضایت خود را از او بیان می‌داریم یا این که منظور آن است که اکثر مردم از او احساس رضایت می‌کنند؛ بنابراین، باز گزاره‌های اخلاقی اثبات‌پذیر یا ابطال‌پذیرند؛ یعنی از طریق واکنش روان‌شناختی خود یا مردم، به کمک مشاهده یا بیان آماری، رضایت یا عدم رضایت را آشکار می‌سازیم.

■

روشن‌ترین اشکال طبیعت‌گرایی اخلاقی
این است که این نظریه، از حلّ و فصل
منازعات اخلاقی ناتوان است. اگر شخصی
اظهار بدارد برده‌داری باطل و نادرست
است و شخص دیگر بگوید: برده‌داری
درست است، هر دو نگرش صحیح است و
معیاری برای حلّ و فصل آنها
وجود ندارد.

○

غیر طبیعت گرایی اخلاقی یا شهود گرایی.

پیروان این نظریه معتقدند که گزاره‌های اخلاقی را از طریق روند شهود اخلاقی می‌توانیم مشخص کنیم. هنگامی که می‌گوییم: «فلانی شخص خوبی است»، این گزاره مانند نظریه قبل، با تجربه و مشاهده اثبات‌پذیر نیست. با وجود این، می‌گوییم، این گزاره صادق است، زیرا بطور بی‌واسطه می‌توانیم ببینیم که صفتی از خوبی اخلاقی به این شخص تعلق دارد. (پالمر)



● شهودگرایی در فلسفه اخلاق به دو دسته از متفکران اطلاق می‌شود. یک دسته آنهایی هستند که معتقدند آدمی همانگونه که حس بینایی، شنوایی و لامسه دارد یک حس دیگر به نام حس اخلاقی دارد که با آن ویژگیهای اخلاقی افعال را درک می‌کند. این دسته در فلسفه اخلاق به طرفداران حس اخلاقی معروف هستند.

● دسته دیگر که شهودگرا در معنای خاص خود به آنها اشاره دارد معتقدند ادراک خصوصیات اخلاقی افعال در انسان به وسیله شهود عقلی صورت می‌گیرد.

غیر طبیعت گرایی اخلاقی (یا شهود گرایی)

ما از طریق شهود اخلاقی پی می بریم که گزارهٔ اخلاقی صادق است یا کاذب؛ زیرا به گونه‌ای بی واسطه می توانیم صفت خوبی را مشاهده کنیم؛ اما این صفت چیست؟ مور می گوید که این صفت، منحصر به فرد و غیر قابل تعریف است. خوبی، چیزی است که اگر چه قابل تحلیل نیست می توانیم تصدیق کنیم که فردی آن را واجد است یا نه. اگر سؤال شود که خوب و خیر چیست، پاسخ این است که خوب، خوب است. این نهایت چیزی است که در این باره می توان گفت. یا اگر سؤال شود که خوب چگونه تعریف می شود، پاسخ آن است که خوب، تعریف ناپذیر است؛ امور دیگر با خوب تعریف می شوند؛ ولی خود خوب تعریف ناپذیر است (مور، ۱۹۰۳)

- - . این نظریه، اشکالات فراوانی دارد. یکی از اشکالات آن، شبیه اشکال به طبیعت گرایی اخلاقی است. اگر من شهود می کنم فلان چیز خوب است و شما شهود می کنید که همان چیز بد است، در این موارد که شهودها متعارضند، معیاری بر صحت و سقم شهودها وجود ندارد

غیرشناخت گرایی اخلاقی یا عاطفه گرایی

در این نظریه گزاره های اخلاقی هیچ گونه واقعیتهایی را بیان نمی کنند و صرفاً بیانگر احساسات و عواطف شخصی افراد هستند طبق این نظریه چیزی به نام "درست" و "نادرست" در اخلاق وجود ندارد. وقتی کسی می گوید فلان کار خوب است یعنی او از آن کار خوشش می آید. او دوست دارد آن کار را انجام دهد. همچنین وقتی کسی می گوید فلان کار بد است یعنی او از آن کار خوشش نمی آید. او دوست ندارد آن کار را انجام دهد به عبارت دیگر طرفداران این نظریه از "خوب" و "بد" تعریفی روانشناختی ارائه داده و عناصر عاطفه گرایانه را وارد حوزه ی اخلاق نموده اند

■

○

اگر کسی امروز صادقانه احساسش را بیان کند و بگوید که فلان کار خوب است و فردا هم واقعا صادقانه احساسش را بیان کند و بگوید همان کار بد است. کدام یک صادق و کدام یک کاذب است؟ اگر شخصی بگوید کشیدن سیگار خوب است. و شخصی دیگر بگوید که کشیدن سیگار بد است. این دو هیچ اختلافی با هم ندارند هیچ تعارض و تناقضی هم در کار نیست و هیچ یک نمی تواند نظر دیگری را نادرست بداند چون هر یک احساس خود را صادقانه بیان کرده است. (دیوید هیوم)

.

● اگر کسی می‌گوید: «دزدی خوب است» و
شخص دیگری می‌گوید: «دزدی بد
است»، این امر شبیه «هورا» و «اف»
برای دزدی است. خوبی و بدی، بیانگر
احساس رضایت و یا عدم رضایتند

فلسفه اخلاق دستوری

وظیفه گرایی

نتیجه گرایی

...

فضیلت گرایی

مکاتب و نظریه های مطرح در فلسفه اخلاق دستوری یا هنجاری:

● ۱- عیای یئی ئڈ و ڈ هک شه صلی سئی (صلی سئی ڈ یڈ)
Deontological Theories

● ۲- عیای یئی ئڈ و ڈ هک شه صلی سئی (٪ئڈ شه ڈ یڈ)
Teleological Theories ●

● ۳- عیای یئی کپشیش ل یع ته گ شه
Virtue Theory ●

● ۴- عیای یئی کپشیش ل یڈ ه صلی : یڈ ی صلی ل یڈ ویش بگ سئی و ڈ ی ویش
Principle –Based Ethics

مکتب وظیفه گرا

- طرفدارن این دیدگاه، معتقدند که ویژگیهای خود عمل، قطع نظر از میزان نتایج مثبتی که در پی می آورد، می تواند آن عمل را صواب و لازم نماید. مثل مراقبت از فرزندان
- در این نظریه اعتقاد بر این است که ویژگی های معین خود عمل، دارای ارزش ذاتی است .

■

● با نفوذترین تئوریسین طرفدار این مکتب ، فیلسوف کانت می باشد .

● ۱- به عقیده کانت ، هر تئوری اخلاقی باید بدون توسل به اراده و خواست الهی توجیه پذیر باشد و از قوانینی که بشر برای خود قرار داده است مشتق گردد.

● ۲- کانت احکام را به دو دسته ، احکام مقدم بر تجربه (حاصل تجربه بشر نیستند) و احکام موخر از تجربه (منتج از تجربه بشر)

[illegible]

كانت

پئی شکر کٲش پ نِے نشیئ ذب ذ ی و کیش د ہ لمی
د ند ذ ی ورعش نِے شب تی فیش س ذ ی و صک صلہ نع ر
لذ ہی ک لمنہ پ صلہ لذ فی د بی فیش ینگ لمی
هی ک صلہ صلہ فی ینگ صلہ ی د ند ڈ س دی د .

■

〇 بھئی شہ لہائی ^{صلو} زچکلاڈ ُ دینے شہ جُش کچہ یڈ لئی زچکے لہن
 یس دیکش یٹک پہی ی یفئیے یٹش یص ^س شہفی یڈ لہ یڈ و
 ی ^{صلو} پ ^{صلو} فئیے یٹش و پ ^س د ی ^{صلو} ین کچش ہئے کڈ یڈ
 لکپئے ی ^{صلو} نے لئی نئیٹ ی کپیٹعہ پی ^س و ^{صلو} ز ی ی ^{صلو} وکشیس ین
 لہ ی فکچ یص ^س شہ ی د ی پیٹ لگتی دبعڈ پ ی یفی زچک ^س
 ی پ ہ فئ شنگ ڈ یڈ پہی دینے شہ ڈ ش ^{صلو} ی یٹکی
 فیک ^س زچک نئے شہ ■

لمی یے دتی بئی مندیش دیشش ہے پتی نے چک گئی نیٹتی نعر یڈد ربی
 صلے پ د ڈک ہے یڈنے لمنی پ O لمی دی دی پ صلے سٹ نیٹتی ہی لمیے ■
 یفیش د ش ی دیش بی ک صلے ین هس ل دی نیٹش ک ہے ی پ بئی مند پ د
 انیے ج لمی ڈکیش یڈتے د ش ڈ پک سڈن ل پک ڈ ی یے
 ڈ یے پ فکچی کیش بئی پ صلے نیٹتی کڈ لڈ یئی مندیش ک صلے ی ی پ
 یڈ لمی ی ب صلے ڈ بیے کفی سٹگ پئی ڈک صلے ڈی نی هس ل دی نی لٹائی پتی
 بی نیٹش نی مندیش کیش سٹگ سٹ / س د کیش سٹگ پ د ی ڈکچک ہے یب مند
 پیئشی فی پ کڈ پ د نی وککیش پ سٹگ بی پ د ی ڈی ری جیش ک
 صلے سٹ مندیش کفی ی لمی ی مند یڈک فی بی نیٹش ہے پکیش فی پ
 ڈ ی ویش ی گ لمنی پ

نظریه های اصالت نتیجه (غایت گرا)

۱۔ یہ نئے ڈائیکریٹس دیتی سہیلکپ ڈیڈیڈش جے کپیش دے بے نیے شہتی
 ع طے دے کپ لے پے نے اٹک پئیڈ رکپیش م کپ لہئے پ۔ رنڈک کپ لہتی ڈ کپیش ن
 O لہئے پئی نیے ش لہ پئیڈ صلی لہ پئیڈ O پئیے ش صلیڈ پئیے شہیڈ صلی ن
 لہ پئیڈ یڈ لہش صلی لہش صلی پئیے ش لہش صلی کپیش صلی پ صلیڈ کپیش کپے ڈکپ د
 صلیے یکش دین لہ دے کپ ہی فی نیے شہ .

سُ پ د د چکپش ن نکِ ی ڈی ڈڈی ش لالی زک ٪ س شع ص
د ورعش کنے یہے ہے ہی فی دکیوئی پہک ڈ اے ۱۰ د شغ ح ند ص

مس صلیتی : س ن ع ید ید ٪ ند ڈ یڈکی ب صلی یک یبے و ذ یے یفص صلیتی
صک ک ش یئی د

زیر مجموعه های مکتب اصالت نتیجه

Ethical Egoism

[illegible]

Ethical Altruism

دُکّی ہے یَتی ک و ت ز د ر عس ل پ جک' دِڈکی نے گ ل نند ل دِڈر پ دِڈ یڈک (٪ سی د بُے د ص د
ع دپ) کش ہوئی پ ل دِڈ ک نیے نہ فہیے نہ ک ل م پس نہ د پ نکتہ ک کی نزع پ دِڈ یڈک دِڈ ل یک ی نزع
دِڈ پس دِڈ سے یی د

○ لائی ہے یتِی ہے صلہ پڈِ یڈِ سڈِ ڈِ ہکِ نڈِیے صلہ پکیٰ پِ رِ
Utilitarianism

[illegible]

● ۴- نظریه انزوا طلبی کلبیون

(وجه تسمیه کلبیون، که در حدود چهار قرن قبل از میلاد در یونان زندگی می کردند، این است که معتقد بودند انسان برای تعالی خود باید مانند کلب (سگ) آزاد و رها زندگی کند . دیوجانس از چهره های معروف این نظریه است .

-
- این مکتب بر اساس بدبینی به جهان و زندگی اجتماعی بنا نهاده شده و پیروان آن معتقد بودند که تعلق انسان به خارج از خویش و دلبستگی به دنیا توأم با بدی ها و ناراحتی هاست ، موجب سلب آرامش میشود و لذا انسان باید از ماورای خود ، اعم از خانه و خانواده و دوست و همسایه دل برکند و راه عملی آن اجتناب از امور دنیوی است . اشکالی که در این مکتب وجود دارد این است که نظام علل و زندگی اجتماعی را شر می داند ، در حالیکه ضرورت و بدی های زندگی اجتماعی ، معلول رفتار آدمیان هستند . از سوی دیگر این نوع انزوا و ترک نعمت های دنیا، انسان را از کمالاتی که باید در سایه زندگی اجتماعی حاصل شوند، محروم می کند و نوعا این دیدگاه با زندگی منطقی در عالم سازگار نیست.



● ۵-مکتب زهد گرایي رواقيون :

● وجه تسميه رواقيون اين است كه زنون (بنيانگذار اين مکتب) در ايوان سرپوشيده اي كه به زبان عربي رواق نام دارد تدريس مي نمود . رواقيون معتقد به نوعي وحدت وجود بودند و حوادث اين جهان را قضاي حتمي الهي مي دانستند و مي گفتند كه انسان تنها با عقل خود مي تواند اراده اش را تغيير دهد كه به چيزي دل ببندد يا نبندد. پيروان اين مکتب ، حوزه خير و شر اخلاقي را فقط در درون ذات انسان مي شناختند و مي گفتند براي اين كه دلبيستگي براي انسان حاصل نشود ، بايد با تقويت اراده در رد و طرد لذات و شهوات كوشا باشد .

-
- در اسلام دنیا در جایی مذموم میشود که با کمالات معنوی و اخروی منافات داشته باشد و برای اولیای خدا آنچه مذموم است حب دنیا است که نوعی شرک در محبت خداوند است. قضای الهی نیز به این معنی است که هر پدیده ای در جای خودش بر طبق قانون علت و معلول تحقق پیدا می کند و اراده انسان نیز، که جزئی از اجزای علت تامه حوادث است، تاثیر کامل در پیدایش حوادث دارد، یعنی قضای حتمی الهی با اختیار انسان منافات ندارد.



● ۶- مکتب های اخلاقی سقراط و افلاطون و ارسطو
وجه مشترک اشتراک تقریبی این فلاسفه و پیروانشان
، تقریباً این است که کمال و سعادت انسان را به عنوان
ریشه همه اخلاق فاضله معرفی و به آنها تکیه کرده اند
.**سقراط و شاگردش افلاطون ، عقیده داشتند که برای**
رسیدن به کمال باید حقایق را شناخت . آنان راه عقلایی
رسیدن به فضایل اخلاقی و تشخیص مصالح و مفاسد را
حکمت آموزی می دانستند . **ارسطو** شاگرد افلاطون از این
نظریه انتقاد میکرد و علم را علت عمل نمی دانست . وی
در کتاب «اخلاق نیکو ماخوس»

■

● **ملاک خیر را سعادت و سعادت را خواست**
فطری همه انسان ها و فضیلت اخلاقی را در گرو
هر آن چیزی می دانست که به این هدف فطری
انسان کمک کند. این فیلسوف سعادت را هدفی
نمی داند که انسان پس از گذراندن دوران عمر به
آن دست یابد بلکه معتقد است که سعادت در رفتار
انسان و فعالیت زندگیش پدید می آید و با زندگی
توأم است .

اشکال مکتب نتیجه گرا

- بزرگترین اشکال این مکتب «بسیاری از نتایج اعمال ، در زمان انجام برای فرد مشخص و آشکار نیستند»

مکتب مبتنی بر فضیلت Virtue Theory

- بر مبنای این مکتب، اخلاق شامل قوانین کاملاً مشخص و تعریف شده برای رفتار است. مثلاً: محکومیت دزدی و قتل انسانها.
- سقراط، افلاطون و ارسطو، مهمترین قایلین به این مکتب می باشند. سقراط به اصول مابعد طبیعی اعتقاد داشت و این اصول را مطلق و ابدی می دانست و این اولین پایه تاسیس اصول اخلاقی مطلق بود.

فلسفه اخلاق - اخلاق هنجاری



سقراط



افلاطون



ارسطو

افلاطون

شهرت

غضب

عقل

شهویه

شره

عفت

خمودی

غضبیه

تهور
(بی باکی)

شجاعت

جبن
(ترسوئی)

عاقله

جربزه

حکمت

سفه
(کودنی)

فلسفه اخلاق - اخلاق هنجاری



■

● افلاطون شاگرد او، انسان را دارای قوه شهوت، غضب و قوه عاقله می دانست و همچنین فضایل عفت، شجاعت و حکمت بر می شمرد و معتقد بود هر گاه کسی متصف به این سه ملکه اخلاقی آخر شود، فضیلت چهارمی را واجد خواهد شد که «عدالت» نام دارد. او این چهار فضیلت را اصل همه فضایل می دانست.

■

○ از نظر ارسطو، چهار شرط برای محقق شدن فعل اخلاقی یا فضیلت لازم است: اعتدال، آگاهی کامل، اختیار یا آزادی و یقین فرد عامل به صحت عمل

■

■

○ در دو نظریه اصالت نتیجه و اصالت وظیفه
، سوال این است که «چه باید بکنم؟» و حال
آنکه در نظریه فضیلت مهمترین سوال این
است که «چگونه فردی باید بشوم؟»

مکتب مبتنی بر اصول: چارچوبی برای تحلیل های اخلاقی

- اخلاق مبتنی بر اصول منسوب به بیوکامپ و
چیلدرس Childress, Beauchamp ، : دارای
چهار اصل عمده عبارتند از :

■

○ ۱- ارزش قایل شدن برای اختیار و استقلال فرد

○ Respect for Autonomy

○ ۲- وظیفه سودمندبودن

○ Duty of Beneficence

○ ۳- وظیفه عدم زیان باری و اضرار

○ Duty of Non-maleficence

○ ۴- ارزش نهادن به عدالت

○ Respect for Justice

احترام به اختیار و استقلال فرد

- اصل احترام به اختیار فرد یا اتونومی، نیازمند این است که تیم درمان حقوق بیماران را در آزادی تصمیم گیری و بر مینای ارزش های اعتقادی خود محفوظ دارد. اتونومی ایجاب می کند قبل از هر اقدامی، با بیمار مشورت صورت گیرد و توافق او جلب شود. اخذ رضایت همراه با آگاهی از بیماران، رازداری و وفای به عهد، از جمله مواردی هستند که بیانگر اتونومی بیمار می باشند. مسلماً این موارد علاوه بر حفظ خود مختاری بیمار، توانایی تیم درمان را در کمک به بیمار بالا می برند.

■

● احترام به استقلال فردی
بیمار، مستلزم عدم فریفتن وی می
باشد. همچنین رعایت زمان ملاقات
بیمار، برقراری ارتباط مناسب، خوب
گوش دادن به بیمار و دادن اطلاعات
کافی به بیماران نیز ضروری است.

اصل سودمندی و عدم اضرار

- وظیفه سودمند بودن ، کاملاً با سنت معالجه، کمک کردن و شفا‌دهی مرتبط است. کادر پزشکی باید صلاحیتی شایسته داشته باشد زیرا که کادر پزشکی که مهارت‌های علمی و عملی ضروری را ندارند ، نه تنها بعید است به بیمار فایده رسانده شود بلکه ممکن است باعث ضرر رساندن به بیمار شود.

احترام به عدالت

- شامل ۲ مورد می باشد :
- ۱- توزیع منصفانه سرمایه ها
- ۲- عدالت در رعایت حقوق مردم
- ۳- عدالت در اجرای قوانین قابل قبول اخلاقی
- هر چند مساوات قلب عدالت است، اما چنانچه ارسطو گفته «عدالت بیش از مساوات صرف است»

-
- عدالت به این معنی نیست که بطور اجباری استاندارد واحدی برای مراقبت های پزشکی برای تمام افراد داشته باشیم بلکه به این معنی است که ما مسئولیت معینی را با شرایط معینی برای درمان بیماران بپذیریم و مصفانه به آن عمل کنیم و به علت تفاوت در دارایی ، موقعیت یا نژاد ، تفاوتی در خدمات قایل نشویم.

مکتب اخلاقی اسلام

○ بطور خلاصه اصول فلسفه در اسلام را بشرح زیر عنوان نمود :

○ ۱- ارزش های اخلاقی مبتنی بر واقعیات عینی هستند و مفاهیم مختلف اخلاقی (مانند حسن و قبح، خیر و شر و باید و نباید) از این واقعیات عینی بیگانه نیستند و صرفاً انشایی یا اخباری نمی باشد .

○ ۲- افعال اختیاری انسان (بعنوان علت)نسبت به نتایج آن (بعنوان معلول)ضرورت بالقیاس دارد و ضرورت نتیجه فعل است ، و ضرورت فعل را ایجاد می کند و باید و نباید های اخلاقی از این رابطه حاصل می گردد.مثلاً صلاح جامعه که نتیجه رفتار عادلانه است موجب ضرورت آن فعل یعنی رعایت عدالت در رفتار میشود.

■

۳- انسان دارای روحی است قابل استقلال و بقاء ، که در فلسفه از آن بعنوان مجرد روح تعبیر میشود و لذا با توجه به بقای روح که دیدگاه اساسی در اکثر ادیان الهی از جمله اسلام است ، یعنی حیات ابدی ، باید نتایج افعال ، از جمله افعال اخلاقی ، را با سعادت و شقاوت ابدی تعبیر کنیم

۴- اصالت در انسان از آن روح است و انسانیت آدمی قائم به روح و بقای روح است



۶-روح دارای حب ذات است و این حبی است پویا
میل به تکامل و کمال است و اراده روح در جهت
کمالش تبلور می یابد

■

۷- میل روح به کمال بی نهایت است و وقفه پذیر نیست. به همین سبب انسان میل به کسب هر چه بیشتر کمالات را دارد و به هیچ حدی از آن قانع نمیشود.

۸- تکامل روح در اثر افعال اختیاری و در سایه اراده است، یعنی نتیجه افعال انسان هنگامی واقعا به روح تعلق می گیرد که این افعال از آگاهی و اراده سرچشمه گرفته باشند.

■

۹- در روح از نظر شدت و ضعف وجودی مراتبی هست، که عالیت‌ترین آن مرتبه عقلی است. در هر یک از مراتب، شئون مختلفی برای روح وجود دارد. کمالاتی که برای روح حاصل میشود، به علت کثرت شئون، متنوع و مختلفند و با توجه به مراتب آن شدت و ضعف دارند.

۱۰- کارهای ارادی بدن، اگر اختیاری باشند، یعنی دارای منشاء توجه نفس باشند، باعث کمال نفس در همان شان میشوند. نیت یا توجه نفس، که انگیزه افعال است، میزانی برای ارزش آن افعال به شمار میرود و موجب کمال نفس میگردد.

■

۱۱- انگیزه نفس رابطه مخصوصی با نوع کار و کمیت و کیفیت دارد. انگیزه است که شکل و نوع و سایر مشخصات کار را تعیین می کند. شدت و قوت انگیزه، در شکل و قالب کار متجلی میشود، ولی هر انگیزه ای تنها یک شکل کار را اقتضا نمی کند. از هر انگیزه ای هم هر کاری سرچشمه نمی گیرد و هر کاری را هم نمی توان به هر نیتی انجام داد؛ مثلاً نمی توان با نیت نجات بیمار لاعلاج، به اتانازی یا تسریع در مرگ بیمار محتضر دست بزند



۱۲- اگر کاری چند انگیزه در طول هم داشته باشد، ارزش کار تابع انگیزه اصلی است. بعنوان مثال، طبیبی که با انگیزه اصلی کمک به بیمار و رضایت الهی بر بالین بیماری حاضر میشود، ممکن است انگیزه دیگری مانند تامین زندگی از راه درست نیز داشته باشد، ولی ارزش کار طبیب با همان معیار انگیزه اصلی دیده میشود و علامت این نکته آن است که طبیب برای رفع نیاز دردمندان، حتی اگر نتواند او را به هدف های جنبی برساند، به انجام تکلیف و وظیفه خود خواهد پرداخت.

بر اساس اصل ۱۲ میتوان نظر اسلام را در مورد ارزش های اخلاقی به این صورت بیان کرد:

● «ارزش اخلاقی فعل اختیاری انسان، تابع تاثیری است که این فعل در رسیدن انسان به کمال حقیقی انسان دارد»

بنظر میرسد که نقطه های مثبتی که در سایر مکتب ها وجود دارند، در اسلام رعایت شده است. اشکال مکتب هایی که محور افعال را لذت ها و منافع و سعادت فردی و اجتماعی قرار داده بودند این است که نه به نیت توجه داشتند و نه به لذت ها و منافع کلی انسان که کلیت زندگی او و حتی حیات پس از مرگ او را نیز شامل میشود.

■

ضعف مکتب کانت هم این بود که هدف و نیت را
تبعیت از قانون قرار داده بود. در مورد نظر اسلام نیز
مشخص است که این نظر بر اصول جهان بینی اسلام
قرار دارد.



بر اساس اصول شناخته شده جهان بینی اسلامی ، اولین اصل این جهان بینی «توحید» است ، که کمال نفس را در قرب الی الله تلقی می کند و اصل دوم آن «نبوت» است ، که از اصالت وحی در تعیین ارزش ها حکایت می کند و اصل سوم «معاد» است که گویای ابدیت نفس انسانی است. به عبارت دیگر، کلیه ارزش های اخلاقی اسلام از جهان بینی آن سرچشمه می گیرد و در سه اصل خلاصه میشود : ۱- کمال حقیقی نفس در قرب به خداوند است ۲- تبعیت از وحی در تعیین ارزش های اخلاقی اجتناب ناپذیر است ۳- نفس انسانی حیات ابدی دارد.

■

از ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام این است که متکی بر مذهب است. اخلاق متکی به مذهب، بطوری که عقاید مذهبی و اعتقاد به پادش و کیفر های روز بازپسین، مجری و پشتوانه اصول اخلاقی باشند، راهی است که آیین های آسمانی و بالاخص آیین مقدس اسلام آن را انتخاب کرده و در طول چهارده قرن، شواهد ارزشمندی از تاثیرگذاری آن را میتوان در صحنه زندگی فردی و اجتماعی جستجو کرد.

دانش اخلاقی ← حساسیت اخلاقی



حساسیت اخلاقی

- افرادی که نسبت به موضوعات اخلاقی حساسیت بیشتری دارند، توانایی بیشتری در حل معضلات اخلاقی دارند و دچار دیسترس اخلاق کمتری میشوند. حساسیت اخلاقی را به عنوان یک مفهوم شامل اعمال، نیات، عواطف و ادراکات پیچیده می دانند.
- عوامل موثر بر حساسیت اخلاقی از جمله علاقمندی، پاسخگویی، شناخت، نظام ارزشی جامعه و ...
- توجه: اهمیت ایجاد محیطی که حساسیت لازم را ایجاد می کند

قضاوت اخلاقی

- قضاوت اخلاقی از ارزش ها و هنجارها ناشی میشود
- گاهی اصول اخلاقی مطلق در قضاوت اخلاقی نقض میشود.